

بررسی اسناد سازمان کنفرانس اسلامی پیرامون برابری حقوق زنان و مردان ارائه و سخنرانی در کنفرانس بین المللی زن در جهان اسلام، 1390

چکیده

سازمان کنفرانس اسلامی با برخورداری از عضویت 57 کشور اسلامی در دهه گذشته فعالیتهایی در زمینه ارتقای نقش زنان مسلمان در توسعه داشته است. این سازمان علاوه بر برگزاری چندین اجلاس و شورای زن کشورهای اسلامی اعلامیه هایی نیز منتشر نموده است. از جمله مهم ترین آنها عبارتند از:

- اعلامیه حقوق بشر اسلامی مصوب 1990 قاهره که حاوی بخشهایی در مورد حقوق زنان است.

- قطعنامه شماره 4/6 داکار مصوب 1991

- سند 114 مشتمل بر اعلامیه نقش زن در توسعه جامعه که در سپتامبر سال 2000 در ریاض به تصویب رسید.

- سند 159 مشتمل بر اعلامیه وضع زن و نقش اجتماعی وی از دیدگاه اسلام که در ژوئن 2006 در اردن به تصویب رسید.

هدف مقاله حاضر تحلیل یکی از کلیدی ترین موضوعات مطرح شده در این اسناد یعنی برابری زنان و مردان است.

یافته ها نشان می دهد علیرغم نکات مثبت فراوان این اعلامیه ها و معاهد ه ها، نگرش تدوین کنندگان در موضوع برابری نگرشی ناقص و بسیط و انفعالی و مبنی بر دامن زدن به تضادها و شکل دادن به یک دایکوتومی (تقابل بخشی دوگانه) است. در سند 114، این برابری صرفا در برابری در کرامت انسانی منحصر شده و در مصوبه ای دیگر برپرهیز از این شعار تاکید گردیده است. در این مقاله مواضع و عملکرد این سازمان آسیب شناسی می شود، بدان امید که در نشستهای بعدی کمیته های سازمان کنفرانس اسلامی نقایص موجود برطرف شود.

واژگان کلیدی: حقوق زن، برابری زن و مرد، سازمان کنفرانس اسلامی، فلسفه حقوق زن، فمینیسم

مقدمه

در نیمه دوم قرن بیستم، سران کشورهای اسلامی پس از حدوث یک سلسله رویدادهای سیاسی در جهان اسلام، ضرورت ایجاد سازمانی را که بتواند از بیش از 50 کشور اسلامی، امت یکپارچه ای بسازد و به جای تفرقه و اختلافات، وحدت و همبستگی را جایگزین کند، احساس نمودند. آتش سوزی مشکوک مسجدالاقصی که به اعتقاد اکثر مسلمانان رژیم صهیونیستی مسبب آن بود، تنش هایی را در جهان اسلام بوجود آورد که در نهایت منجر به تأسیس سازمان کنفرانس اسلامی از سوی کشورهای اسلامی شد. (رک به وزارت امور خارجه، 1375:ص 9 ایضا: سایت سازمان کنفرانس اسلامی)

در سال 1969 با پیشگامی سران کشورهای اسلامی ایران، عربستان و مراکش، کنفرانسی از وزرای امور خارجه کشورهای عرب در قاهره راههای موجود برای ایجاد سازمانی با معیارهای اسلامی را بررسی کردند.

در پی این اجلاس، وزرای خارجه دولتین مراکش و عربستان در هفته اول سپتامبر 1969 در جده با یکدیگر ملاقات کرده و تصمیم گرفتند یک کمیته مقدماتی در سطح وزرای امور خارجه تشکیل دهند. وظیفه این کمیته ارائه طرح ها و بررسی آنها به منظور برپایی کنفرانس سران دولتهای اسلامی بود. نمایندگان دولتهای ایران، پاکستان، سومالی، مالزی، نیجر و مراکش اعضای این کمیته مقدماتی را تشکیل می دادند. پس از پایان تمهیدات یاد شده، اولین کنفرانس سران اسلامی از 22 تا 25 سپتامبر 1969 در شهر رباط پایتخت کشور مراکش تشکیل گردید. بدین ترتیب، سازمان کنفرانس اسلامی با مساعی برخی از دولتهای اسلامی در قالب یک نهاد بین المللی و براساس حقوق سیاسی اسلام شکل گرفت. در منشور سازمان کنفرانس اسلامی که از جمله اسناد معتبر این سازمان است، ضمن برشمردن اهداف «OIC» به تعبیری نظیر «همبستگی کشورهای اسلامی»، «تفاهم» و «همکاری» تأکید شده است.

اهداف سازمان کنفرانس اسلامی (سکا) عبارتند از :

1) افزایش همبستگی اسلامی میان کشورهای عضو (2) حمایت از همکاری فیما بین کشورهای عضو در زمینه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و علمی و دیگر زمینه های حیاتی و مشاوره با کشورهای عضو سازمانهای بین المللی (3) تلاش برای از بین بردن تبعیض نژادی و استعمار با اشکال گوناگون (4) اتخاذ اقدامات لازم برای حمایت از صلح و آرامش بین المللی که براساس عدل استوار است (5) ایجاد هماهنگی در فعالیت های خود جهت حفظ آرامش و صلح در اماکن مقدسه و آزاد ساختن آنها و حمایت از مبارزه ملت فلسطین و کمک به ملت فلسطین، برای باز پس گرفتن آن (6) حمایت از مبارزه کلیه ملل اسلامی به خاطر حفظ حیثیت و استقلال و حقوق ملی خویش (7) فراهم کردن اوضاع مناسب برای افزایش تفاهم میان کشورهای عضو و کشورهای دیگر از طریق (1) مساوات کامل میان کشورهای عضو (2) احترام به اصل آزادی تعیین سرنوشت مردم و عدم دخالت در امور داخلی کشورهای عضو (3) احترام به حاکمیت، استقلال و وحدت تمامیت سرزمین های هر یک از کشورهای عضو (4) حل هر گونه اختلافات و منازعات فیما بین، از طریق مسالمت آمیز نظیر مذاکره یا میانجیگری، یا موافقت با داوری (5) امتناع کشورهای عضو از به کار بردن زور یا تهدید علیه وحدت و حاکمیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کدام از کشورهای عضو.

سازمان کنفرانس اسلامی دارای 54 عضو اصلی و 5 عضو ناظر می باشد که در 4 قاره جهان پراکنده اند. کشورهای مسلمان عضو سازمان کنفرانس اسلامی که تعداد آنها به 57 کشور می رسد، اکنون نزدیک به یک سوم تعداد کشور های عضو سازمان ملل را به خود اختصاص داده اند و این در حالی است که میزان زیادی از مناطق استراتژیک جهان در قلمرو این کشور ها قرار دارد. به طوری که مرز جهان اسلام از سواحل آفریقای شمالی در اقیانوس اطلس تا شرق اندونزی امتداد می یابد. 74 درصد ذخایر شناخته شده نفت جهان و 50 درصد ذخایر گازی، 20 درصد از گستره آبی و خاکی جهان 35 درصد قلع، 20 درصد پنبه جهان و... در کشورهای اسلامی قرار دارد. حجم مبادلات کشورهای اسلامی در سال بالغ بر 800 میلیارد دلار بوده است که قطعا با رشد زیادی که قیمت نفت در طی سالیان اخیر داشته است، این میزان بسیار بالاتر از این مقدار است. از سوی دیگر خاستگاه قدیمی ترین تمدن ها مانند سومر و اکد و عیلام و مصر و ایران و اسلام در این کشور ها قرار دارد. جمعیتی معادل یک میلیارد و 500 میلیون نفر که در اقصی نقاط این کره خاکی ساکن هستند را مسلمانان تشکیل می دهند. یعنی میزانی معادل یک چهارم جمعیت جهان به مسلمانان

تعلق دارد با توجه به چنین پتانسیل های موجود در جهان اسلام و شرایط جهانی که امروزه حاکم است نقش و جایگاه سازمان کنفرانس اسلامی بیش از پیش برجسته تر می شود. (www.iranoic.ir) فعالیت های سازمان کنفرانس اسلامی از بدو تاسیس تا کنون، به دو مرحله زمانی قابل تقسیم است. این تقسیم بندی بر اساس تحولات درونی سازمان کنفرانس اسلامی در مورد تصمیمات و عملکردها صورت پذیرفته است:

1. از سپتامبر سال 1969 تا ژانویه 1981.

2. از ژانویه 1981 تا زمان حاضر.

در مورد مرحله اول حیات سیاسی و حقوقی سازمان کنفرانس اسلامی، که در حدود دوازده سال به طول انجامید، سازمان تلاش نمود تا مواضع خود را در چارچوب قطعنامه ها و توصیه نامه های سه اجلاس سران و چهارده اجلاس وزرای امور خارجه و بر اساس اصول و اهداف مندرج در منشور خود، منطبق سازد.

در دوره دوم حیات سازمان کنفرانس اسلامی جناح محافظه کار سازمان که عمدتاً کشورهای که روابط خوبی با آمریکا و غرب داشتند بر مقدرات سازمان تسلط یافتند. آنها توانستند با عمده کردن خطر انقلاب اسلامی، رژیم اسرائیل را به عنوان دشمن شماره دو معرفی کنند و از این طریق اساسی ترین هدف سازمان را که مواجهه با توسعه طلبی رژیم صهیونیستی بود به فراموشی بسپارند. در جریان جنگ تحمیلی این سازمان در مقاطع مختلف از مواضع دولت عراق حمایت کرد و ایران را سرزنش و محکوم کرد. (وزارت امور خارجه: 1375، 244-46)

نکات مهم زیر در ارتباط با این سازمان قابل توجه است:

- خمیر مایه تأسیس سازمان با واکنش و انفعال سرشته شده است (واکنش در قبال آتش سوزی عمدی مسجدالاقصی)
- رویکرد غالب در سازمان رویکرد سیاسی است تا اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی. غلبه رویکرد محافظه کارانه و میانه رو عربی به این دلیل است که نیمی از اعضای سازمان کشورهای عربی هستند. از طرف دیگر هم اعضای جبهه پایداری مانند سوریه و لیبی دوران قذافی و الجزایروهم سایر حکومت های متمایل به غرب در خاورمیانه عربی میانه خوبی با دموکراسی و حقوق بشر ندارند.
- جناح خواهان تغییر در این سازمان در اقلیت قرار دارند و کشورهای چو اندونزی و مالزی و ایران و ترکیه در شمار هسته فعال سازمان قرار ندارند. برای مثال تا قبل از سال 1376 ایران تنها در یکی از اجلاس های سران شرکت کرده است.
- سازمان صرفاً در سال های اخیر، مسایل فرهنگی، اجتماعی و حقوقی را در دستور کار خود قرار داده است از جمله مسایل مربوط به زنان و کودکان. این موضوع به ساختار کلی و تاریخچه سازمان مرتبط است. ورود «سکا» به مسایل فرهنگی و اجتماعی و حقوقی در واکنش به اقدامات و مصوبات مجامع بین المللی چون سازمان ملل متحد بوده است که بعضاً در تعارض با ارزش های فرهنگی جهان اسلام تلقی شده است و سازمان به ناچار مجبور به موضع گیری شده است.
- ارکان تصمیم گیری در سکا عمدتاً دولت ها هستند و سازمان های مردم نهاد (NGO) حضور بسیار کم رنگی دارند.

- اکنون با سقوط رژیم‌های سنتی و دیکتاتور عرب چون صدام و مبارک و بن علی و قذافی و تغییر شرایط در منطقه، زمینه‌های لازم برای تجدید رویکرد و نوسازی سکا احساس می‌شود.
- مصوبات سکا با بحران ضمانت اجرا مواجه‌اند. از این رو ایده‌ها و شعارهای مطرح شده پیرامون مسایل اجتماعی و فرهنگی و حقوقی مانند «حقوق زنان» هم چون مواضع سیاسی سازمان در حد کلی گویی و اعلام موضع بر زمین مانده و در عرصه عمل نظامی برای پایش و گزارش‌گیری منظم و بازخواست دول عضو وجود ندارد.
- هدف مقاله حاضر بررسی و تحلیل مواضع و مصوبات سازمان کنفرانس اسلامی از ابتدای تأسیس تاکنون پیرامون حقوق زنان بویژه مسأله برابری حقوق زنان و مردان است.

تحولات عصر نوین و تاثیرات آن بر وضعیت زنان در جوامع اسلامی:

نویسندگان «تاریخ قرن بیستم» در یک فصل مستقل از این اثر تحولات عصر نوین را تشریح کرده‌اند. رؤس این تحولات به قرار زیر است:

- تولید انبوه و صنعتی شدن
 - گسترش فرهنگ مصرفی
 - تبدیل خانواده گسترده به خانواده هسته‌ای
 - ارتقای رفاه و سطح زندگی و دگرگونی رسوم زندگی روزمره
 - رشد نهادهای اداری و مدنی
 - شکل‌گیری بورژوازی حقوق‌بگیر و یقه سفیدها و طبقه متوسط جدید، مدیران و کارمندان
 - تغییر طبقات ناشی از دگرگونی‌های حرفه‌ای - اجتماعی
 - رشد مشارکت اجتماعی و سیاسی و اعتراض‌های اجتماعی (برشتین و میلزا: 61-78)
- به نظر نگارنده ارجاع این تحولات به قرن 19 توسط نویسندگان، نادیده گرفتن ریشه‌های اصلی شکل‌گیری آنها در قرون 17 و 18 است. به هر حال چنانچه این تغییرات را صرفاً منتسب به قرن 19 هم بدانیم، این تحولات، اولاً - به تدریج با یکی دو دهه تأخیر کشورهای در حال توسعه و جوامع مسلمان را نیز تحت تأثیر قرار داد. ثانیاً - زندگی، رفتار و گرایش‌های زنان نیز در پرتو این تحولات، دست خوش تغییر شد.

همچنان که لاپیدوس مؤلف کتاب «تاریخ جوامع اسلامی» نقش زنان در جوامع مسلمان را در عصر نوین با ویژگی‌های مشابهی بررسی و تحلیل کرده است. او می‌نویسد: به لحاظ عقیدتی و نظری و تا حدود زیادی از نظر رفتاری، جوامع مسلمان خاورمیانه تفکیک مشخصی میان نقش زنان و مردان ایجاد کردند. قلمرو عمومی تقریباً همواره برای مردان محفوظ بود و خانواده و اهل خانه قلمرو زنان بود. اگرچه زنان عموماً در صنایع داخلی، کشاورزی و دامپروری اشتغال داشتند، اما کمال مطلوب طبقه متوسط، جدایی زنان از مردان در محل خرید و فروش، بازار، سیاست و زندگی اجتماعی بود. جوامع پیش از عصر جدید همچنین تفوق مردان بر زنان و تمکین عمومی زنان نسبت به اقتدار مردان را می‌پذیرفتند. در دودمان‌ها و خانواده‌های بزرگ، زنان تابع اقتدار پدران،

برادران، شوهران و اقوام مذکر شوهر بودند. نویسنده البته نظر خود را این گونه تعدیل می‌کند که: درست است که زنان نقش کمتری در قلمرو عمومی داشتند اما باید دانست که قلمرو «عمومی» در دوران پیش از عصر جدید بسیار محدودتر از جوامع نوین بود و خانواده‌ها سهم بسیار بزرگتری در سیاست و زندگی اقتصادی داشتند. نویسنده سپس سرآغاز عصر جدید در جوامع اسلامی را اواخر عصر عثمانی می‌داند که نخستین تقاضاها در مورد تجدید موقعیت زنان، درخواست تک همسری در خانواده سلطنتی، لغو صیغه و آزادی هرچه بیشتر زن در ازدواج و فعالیت‌های اجتماعی مطرح شد. آموزش در کانون توجه ناسیونالیست‌های ترک قرار گرفت. طی جنگ جهانی اول، زنان ناچار شدند در کارخانه‌ها، بانکها، خدمات پستی، ادارات، شهرداری و بیمارستان‌ها کار کنند و تجربیات آنان راه را بر اصلاحات بعدی گشود. بدین ترتیب به اعتقاد لاپیدوس در دهه پس از جنگ جهانی اول، دولت‌های مستقل جدیدی چون ترکیه و ایران به قدرتمندترین نیرو در تغییر وضع زنان تبدیل شدند (لاپیدوس: 418-421)

در نهایت به اعتقاد این تحلیل گر تاریخی سه مرافعه (چالش) اصلی در مورد زنان در کشورهای اسلامی وجود دارد: مذهب زدایی در برابر اسلام گرایی، قدرت دولت در برابر خودمختاری جامعه و غربی شدن در برابر اصالت فرهنگی. (همان: 427)

به نظر می‌رسد هرگونه ارائه راه حل برای بهبود وضعیت زنان بدون در نظر گرفتن پیچیدگی رایج در کشورهای مسلمان و در حال توسعه و بدون لحاظ کردن این چالشها، راهگشا و حلال مشکلات نخواهد بود.

مفهوم برابری:

می‌گویند اعلامیه جهانی حقوق بشر متأثر از اندیشه‌های ژان ژاک روسو متفکر قرن 17 فرانسه است. اما باین وجود او نابرابری طبیعی را می‌پذیرد. وی در کتاب «گفتاری در باب نابرابری» می‌نویسد:

من در نوع بشر دو نوع نابرابری می‌بینم: یکی را نابرابری طبیعی یا مادی¹ می‌نامم که از طبیعت ناشی شده است و خود را در سن، سلامت، نیروی بدنی و کیفیت ذهن یا جان بروز می‌دهد و دیگری را می‌توان نابرابری اخلاقی² یا سیاسی نامید؛ چرا که برآمده از نوعی قرارداد است یا دست کم براساس توافق انسانها شکل گرفته است. این گونه نابرابری را می‌توان در امتیازات مختلف مشاهده کرد که عده‌ای از آن به زیان عده‌ای دیگر برخوردارند. مثل ثروتمندتر بودن، محترم‌تر بودن، قدرتمندتر بودن یا حتی دیگران را وادار به اطاعت کردن. به عقیده روسو منشاء نابرابری طبیعی را نمی‌توان مورد کندوکاو قرارداد چرا که پاسخ آن در تعریف ساده کلمه طبیعت نهفته است. (روسو، 34)

به نظر روسو قرارداد اجتماعی، به جای نابرابری جسمی و روحی که طبیعت در مردم ایجاد کرده است؛ نوعی آزادی اخلاقی و مشروع ایجاد می‌کند. به این ترتیب کسانی که از نظر قدرت و استعداد تفاوت داشتند، بعد از عقد این قرارداد از حقوق مساوی برخوردار می‌شوند. (همان: 6)

از نظر تعریف، برابری جنسیتی به باوری فمینیستی گفته می‌شود که هدفش عموماً حذف نابرابری‌های جنسیتی، مردسالاری و جنسیت‌گرایی است. صندوق جمعیت سازمان ملل متحد برابری جنسیتی را

¹ . Physique

² . Morale

نخستین حق انسانی خوانده است. برابری جنسیتی همچنین به عنوان یکی از اهداف برنامه توسعه هزاره سازمان ملل متحد انتخاب شده است. در این مورد به چند مفهوم باید به صورت همزمان توجه شود:

- 1- برابری در حقوق بنیادین (Rights) که زیر بناست.
 - 2- برابری در حقوق (Law). کلیه قوانین و مقررات به عنوان مصادیق مختلف می بایست تجلی بخش و پوشش دهنده حقوق بنیادین زنان باشند.
 - 3- برابری در نقشها و وظایف و مسئولیتها
 - 4- برابری در فرصت که متاسفانه در ادبیات حقوق زنان و از جمله اسناد سازمان کنفرانس اسلامی کمتر به آن پرداخته شده است. از این رو به صورت بسیار مختصر به ابعاد این مفهوم اشاره می کنیم.
- برابری فرصت:

رویمر (1998) دو گونه برابری فرصت را معرفی کرده است: در تلقی نخست که از آن تحت عنوان اصل عدم تبعیض¹ یاد می کند بیان می دارد که در رقابت برای موقعیت های اجتماعی، افراد را فقط بایستی براساس صفات مرتبط با انجام وظایف آن موقعیت ها مورد قضاوت قرارداد و صفاتی چون نژاد یا جنسیت را نبایستی به حساب آورد. در تلقی دوم از برابری فرصت که از آن تحت عنوان «هم سطح کردن عرصه بازی»² یاد می کند، جامعه بایستی هر آنچه که در توان دارد در راستای هم سطح کردن عرصه بازی انجام دهد تا افرادی که درجات یکسانی از تلاش را اعمال می کنند به دستاورد برابری نیز نائل آیند. (رویمر: 11)

یادآور می شود که باید بین دو مفهوم تمایز قایل شد: برابری جنسی ناظر به جنبه های جسمی و فیزیولوژیک است. در حالی که برابری جنسیتی اشاره به برابری نقشهای اجتماعی و فرصتها هم چنین انتظاراتی دارد که جامعه از یک جنس اعم از مرد وزن دارد. در اسناد بین المللی عمدتاً برابری جنسیتی مورد بحث قرار گرفته است. اکنون مصوبات مجامع بین المللی در خصوص برابری زن و مرد را مرور می کنیم و مواضع "سکا" در قبال این مصوبات را با یک بازاندیشی نقادانه و آسیب شناسانه بررسی می کنیم.

اعلامیه جهانی حقوق بشر

در این اعلامیه که مصوب 1948 می باشد موادی گنجانده شده که در مقام تفسیر قابلیت این را دارد تا در تعارض با آموزه های اسلامی قرار گیرد. هر چند کشورهای اسلامی این اعلامیه را پذیرفته اند اما بعدها در جریان اشاعه و ترویج تفکرات اسلامی برخی مفاد این اعلامیه با ابهام و پرسش مواجه گردید، از جمله حذف هرگونه تمایز جنسیتی و عقیدتی و دینی در ماده 2، آزادی انتخاب اقامتگاه در ماده 13، حق تابعیت یا تغییر تابعیت موضوع ماده 15، آزادی تغییر دین در ماده 18، حق ازدواج آزادانه و بی محدودیت از حیث نژاد، ملیت یا دین و حقوق برابر زن و مرد در تمام مدت زناشویی و هنگام انحلال آن در ماده 16 و ... همان طور که می دانید تابعیت و اقامتگاه زن در آموزه های اسلامی تابع شوهر است. همچنین حق طلاق در دست مرد است. بنابراین برخی از مفاد و محتوای این اعلامیه بویژه در ارتباط با زنان در تعارض با تفسیرهایی از متون دینی قرار گرفت و

1 - Non- discrimination

2- level the playing field

واکنش‌ها و نقدهایی را در کشورهای اسلامی برانگیخت. به دنبال آن ضرورت تدوین مبانی حقوق بشر اسلامی در محافل دینی مسلمانان مانند الازهر مصر و در بین متفکران عرب و ایرانی احساس شد.

رواج موج دوم فمینیستی

موج دوم فمینیستی در دهه 1960 به بعد رواج یافته و در قالب ایده‌ها، مقالات و کنفرانسها و مباحث جاری در بین متفکرین و رسانه‌های ارتباط جمعی غرب رواج یافت. این موج متشکل از سه جریان فکری لیبرال، رادیکال و مارکسیست است. جریان موسوم به فمینیسم رادیکال حساسیت‌های بیشتری نسبت به فمینیسم لیبرال و مارکسیستی برانگیخت. فمینیست‌های رادیکال گذشته از اختلافات ریشه‌داری که با یکدیگر دارند در این جهت مشترکند که تمام جامعه تحت حاکمیت مردان را مورد تهاجم قرار می‌دهند. اینان معتقدند که علت اصلی مظلومیت زنان، نظام پدر سالارانه است. آنان با طرح شعار «هر امر شخصی، سیاسی است» حتی برای روابط جنسی، جنبه سیاسی قائل شده و رفتار متعارف و روزمره مردان را به عنوان یک مسأله اجتماعی فراگیر مطرح ساختند. برخی از فمینیست‌های رادیکال در آغاز از آرمان دو جنسیتی حمایت کردند. اما بسیاری از آنان پس از تأمل بیشتر به این نتیجه رسیدند که استراتژی دو جنسیتی، برای زنان آزادی بخش و مناسب نیست. راهبرد دیگر آنان این است که اگر زنان یک طبقه‌اند پس باید هم چون یک طبقه برای نبرد با عوامل سرکوب خود سازمان یابند. (بستان، 49)

ذات گرایی در این اندیشه ادعان می‌کند که مردان مرد و زنان زن هستند و هیچ راهی برای تغییر طبیعت آنها وجود ندارد. ... زنان به گونه‌ای از پیش تعیین شده خصلت پرورش دهندگی و حیات بخشی دارند و مردان به گونه‌ای از پیش تعیین شده، فاسد، هرزه و دل نگران مردن هستند. (همان، 54)

تأکید بیش از حد فمینیسم رادیکال بر جهانی بودن پدیده مرد سالاری و ذات گرایی در نگاه به انسان انتقادات بسیاری را از جمله در جهان مسیحیت و جهان اسلام برانگیخت که اکنون بدنبال طرح آنها نیستیم. تنها یادآور می‌شویم که در دهه‌های بعد موضع گیری سازمان کنفرانس اسلامی متأثر از فشارهایی است که متفکرین مسلمان در ارتباط با موج دهه 60 و 70 جریان فمینیسم رادیکال وارد آوردند.

کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان:

این کنوانسیون که مصوب 1979 می‌باشد پس از چندین دهه رواج اندیشه‌های فمینیسم لیبرال، فمینیسم مارکسیستی و فمینیسم رادیکال مطرح شد و بیشترین تأثیر را در بنیان‌ها و چارچوبهای خود از فمینیسم لیبرال پذیرفت.

بخش‌هایی از محتوای این سند از سوی برخی گروهها و شخصیت‌های اسلامی مورد انتقاد قرار گرفت. این انتقالات در برخی کشورها چون مصر به افزودن «حق شرط» در مقابل برخی مواد آن و در کشور ایران علیرغم تصویب پیوستن به این کنوانسیون در مجلس ششم (البته با حق شرط) موجب رد آن در شورای نگهبان و شورای فرهنگی اجتماعی زنان / شورای عالی انقلاب فرهنگی، گردید.

به نظر نگارنده بندهایی که بالقوه تأثیرات وسیع و عمیقی بر قوانین و مقررات داخلی کشورهای مسلمان داشته و موجب نگرانی‌های بیشتری شده است. بند 2 ماده 3 و بند 15 می‌باشد. زیرا براساس این بندها می‌بایست کلیه قوانین کیفری، قراردادها و اسناد خصوصی از هر نوع که دارای اثر قانونی بوده و در جهت محدود کردن اختیارات قانونی زنان باشد، باطل و بی‌اثر تلقی گردد. در حالی که در بخش مهمی از کشورهای اسلامی قوانین داخلی حداقل در بخش‌هایی چون احوال شخصیه و بخش‌هایی از حقوق مدنی و کیفری منبعث از شریعت اسلامی است.

به نظر نگارنده در مواردی غیر از این دو بند مانند حق ازدواج، اقامتگاه زن، حضانت اطفال و ... با بهره‌مندی از پویایی فقه اسلامی امکان نیل به فتاوی‌یی که تعارض جدی با کنوانسیون نداشته باشد وجود داشته و دارد. اما دو بند یاد شده با دایره نفوذ و شمول وسیع خود به صورت عام کلیه احکام اسلامی و قوانین داخلی را در حاشیه قرار می‌دهد. عکس‌العمل در مقابل این موضوع را باید در مصوبات بعدی سازمان کنفرانس اسلامی دید.

دهه ملل متحد برای زنان و کنفرانس های کپنهاگ و نایروبی

مجمع عمومی در دسامبر 1975 توصیه کنفرانس مکزیکو درباره تعیین دهه ملل متحد برای زنان را تایید کرد و با تصویب قطعنامه شماره 0253 (XXX) یک دوره ده ساله از 1976 تا 1985 را به عنوان دهه ملل متحد برای زنان تعیین نمود. آن چه بیش از هر چیز دیگری به چشم می‌آید، افزایش فعالیت ها در برگزاری دو کنفرانس مهم کپنهاگ و نایروبی و تهیه و تصویب کنوانسیون 1979 در زمینه رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان بود.

این دهه همان اهداف کنفرانس مکزیکو، یعنی تساوی، توسعه و برابری را مورد نظر قرار داد و فرصتی بود تا: اولاً سازمان ملل متحد نوعی تحول و تغییر اساسی را در جهت شناسایی حقوق زنان در سطح بین‌المللی در خود ایجاد نماید و دوم آن که سازمان های غیر دولتی مرتبط با حقوق زنان در این دهه به طور شگفت‌انگیزی رشد و توسعه یافتند و دست به ابتکارات فراوانی درباره بررسی و تحقیق و عرضه آمارهای مختلف در زمینه های گوناگون زندگی زنان در سراسر جهان پرداختند و در این مسیر هر چه بیش تر توجه جامعه جهانی را به وضعیت زنان جلب نمودند.

چنان که تعداد شرکت کنندگان و نمایندگان وابسته به سازمان های دولتی که در کنفرانس مکزیکو به رقم 6000 میرسید، در کنفرانس نایروبی، یعنی سومین کنفرانس جهانی زنان به 15000 نفر رسید. (توحیدی 12،

الف) کنفرانس کپنهاگ 1980

دومین کنفرانس جهانی زنان از 14 تا 30 جولای 1980 در شهر کپنهاگ دانمارک برگزار شد و در آن یک برنامه اقدام برای نیمه دوم دهه ملل متحد تنظیم شد و علاوه بر آن به بررسی و ارزیابی پیشرفت های ایجاد شده و موانع موجود در راه نیل به اهداف دهه و کنفرانس مکزیکو پرداخته شد که در این راستا 48 قطعنامه به تصویب رسید. در این کنفرانس 145 دولت و بیش از 2000 نماینده مختلف شرکت کردند. بسیاری از

نمایندگان سازمان های دولتی و غیردولتی در کنفرانس حاضر شدند . آن ها خواستار بهبود وضع اشتغال، بهداشت و آموزش زنان بودند .

ب) کنفرانس نایروبی و استراتژی های آینده نگر آن -1985

سومین کنفرانس جهانی زن از 15 تا 26 جولای 1985 به دبیر کلی خانم لتیشاهانی (فیلیپین) و با حضور گسترده دولت ها، سازمان ها و دیگر نهادهای ذیربط در شهر نایروبی کنیا برگزار شد . این کنفرانس در پایان دهه ملل متحد برای زنان و با مضمون «اعتلای زنان تا سال 2000» به منظور بررسی و ارزیابی دست آوردهای دهه درباره هدفهای سه گانه «تساوی، توسعه و صلح» و ایجاد معیارها و استانداردهای واقعی و عملی برای غلبه بر موانع، جهت دست یابی به اهداف فوق برگزار گردید . بررسی و ارزیابی پیشرفت های به دست آمده، در روند اجرای «طرح اقدام جهانی، مصوب کنفرانس مکزیکو» و «برنامه اجرایی مصوب کنفرانس کپنهاگ» از دیگر اهداف این کنفرانس بود که مجموع بررسی ها و ارزیابی فوق به اتخاذ «استراتژی آینده نگر برای پیشرفت زنان» منجر شد که میبایست در فاصله زمانی بین سال های 1986 تا سال 2000 اجرا می شد .

تلاشهای جهانی دیگر در دهه نود

مهم ترین این تلاشها اعلامیه پکن مصوب 1995 است که به اختصار به آن اشاره می کنیم:
در این اعلامیه، دولتهای شرکت کننده در کنفرانس، عزم راسخ خود را به پیشبرد و ارتقاء سه هدف تساوی، توسعه و صلح برای عموم زنان جهان و به سود کل جامعه بشری اعلام نمودند و در این زمینه بر تعهدات خود بدین شرح تاکید کردند:

- اصل تساوی بین زن و مرد که در اسناد بین المللی همچون منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاقین، اعلامیه رفع تبعیض، کنوانسیون 1979، کنوانسیون حقوق کودک، اعلامیه حق بر توسعه و ... آمده است؛

- تضمین اجرای کامل حقوق بشر مربوط به زنان و کودکان دختر؛

- مبنا قرار دادن وفاق و پیشرفتی که در دیگر کنفرانسها در جهت نیل به اهداف تعیین شده، بدست آمده است؛

- توانمند سازی و ارتقاء منزلت زنان، از جمله حصول حق آزادی اندیشه، وجدان، دین و عقیده و کمک به رفع نیازهای مختلف آن ها .

اعلامیه بر این امر تاکید می کند که حقوق زنان حقوق بشر است و لذا برای دسترسی زنان در همه عرصه های زندگی بر اصل برابری تاکید می کند .

کار پایه عمل کنفرانس پکن (22)

این سند شامل شش بخش است که در 361 بند به طور مشروح و مفصل آمده است: بخش اول درباره بیان «مقاصد و اهداف» کنفرانس است که در بندهای پنجگانه خود به تفصیل، به مقاصد کنفرانس می پردازد و

در بند نخست، کار پایه را دستور کاری برای توانمند سازی زنان و تسریع اجرای راه کارهای ناپروبی و حذف همه موانع مشارکت زنان می داند .

بخش دوم به «چارچوب جهانی» مسئله پرداخته است و نقاط مشترک و اختلاف های موجود را درباره زنان بررسی کرده است .

در بند 29 نیز در مورد نهاد خانواده آورده است: زنان نقش خطیری در خانواده ایفا می کنند. خانواده واحد اساسی جامعه است و لذا ضرورت مقتضی، تقویت آن است. خانواده از این حق برخوردار است که از حفاظت و حمایت فراگیر برخوردار شود. تجلی آن در نظام های مختلف فرهنگی، سیاسی و اجتماعی صور متنوعی به خود می گیرد و احترام به حقوق، توانائی ها و مسئولیت های اعضای آن ضروری است. زنان ایفاگر خدمت سترگی به رفاه خانواده و توسعه جامعه اند، خدماتی که هنوز مورد تصدیق جامعه قرار نمی گیرند یا در تمامی اهمیتی که دارند، ملحوظ نمی گردند. اهمیت اجتماعی فرزند آوری، مادری و نقش والدین در خانواده و در پرورش کودکان باید توسط جامعه اذعان شود. پرورش کودکان مستلزم مسئولیت مشترک والدین، مردان و زنان کل جامعه است. فرزند آوری، مادری و فرزند پروری و نقشی که زنان در تولید مثل ایفا می کنند، نباید مبنای تبعض واقع شود یا مشارکت کامل آنان در جامعه را محدود سازد

در بخش سوم به «موضوعات و مسائل مهم مایه نگرانی» توجه شده و به حوزه های مختلفی که در آن ها زنان آسیب پذیری بیش تری دارند، پرداخته است. از جمله در هدف 6 بند 179 به اقداماتی که باید توسط دولت اتخاذ گردد چنین اشاره شده:

الف) اتخاذ خط مشی هایی جهت تضمین آن که کارگران پاره وقت، موقت، فصلی و مستقر در خانه از حمایت مقتضی قوانین کار و مزایای تأمین اجتماعی برخوردار شوند.

ب) پیشبرد شغلی بر پایه شرایط کار که مسئولیت های خانوادگی و کار را هماهنگ می سازد.

ج) تضمین وجود فرصت هایی برای زنان و مردان از طریق قوانین،

در بخش چهارم که در واقع بدنه اصلی سند کنفرانس است و 240 ماده را به خود اختصاص داده، تحت عنوان «اهداف راهبردی و اقدامات»، به مسائل گوناگونی توجه کرده است .

در بخش پنجم کار پایه، از مجمع عمومی، شورای اقتصادی - اجتماعی، کمیسیون مقام زن، کمیته رفع تبعیض از زنان، دبیرخانه ملل متحد، بخش پیشرفت زنان، مؤسسه بین المللی برای پژوهش و آموزش زنان و صندوق توسعه ملل متحد برای زنان و دیگر نهادهای مربوط به آن می خواهد تا برای اجرای کار پایه، همه در حیطة کاری خود به عرضه راهکارها و بسترهای مناسب اجرای کار پایه، همه در حیطة کاری خود به عرضه راه کارها و بستری مناسب اجرایی بپردازند و به خصوص در روند اجرای کار پایه به طور هماهنگ و منسجم با هم همکاری نمایند .⁽²³⁾ و در بخش ششم به راه های تأمین بودجه و عرضه تسهیلات و امکانات مناسب برای اجرای کار پایه توجه شده و در سطوح ملی، منطقه ای و بین المللی به مسئله پرداخته است و

از جمله پیشنهاد نموده است که دولت‌ها با رعایت مقتضیات و ضرورت‌های امنیت ملی و تا سر حد امکان، از بودجه نظامی برای تسهیل اجرای سند کنفرانس بکاهند.

واکنشها نسبت به مصوبات کنفرانس پکن:

از نگاه برخی حقوقدانان مسلمان اهداف مطرح شده در سند کنفرانس، به خاطر عقب ماندگی شدید زنان و نابسامانی‌های فراوانی که گریبان گیر آنان است، آرمانگرایانه و بلند پروزانه به نظر می‌آید، واقعیت این است که در بسیاری موارد «افراط‌گری‌های بسیاری شده است و به نظر می‌رسد بعضی‌ها خواسته‌اند آن چنان چهار نعل، شتابان به قله تساوی بتازند و عقب ماندگی چند هزار ساله را جبران کنند که بیم آن می‌رود از سوی دیگر سقوط کنند.» (مهرپور، 393)

از نظر برخی دیگر از منتقدان، علیرغم مواضع روشن فصل دوم، هنوز هم اشکال عمده موجود در سند کنفرانس، کم توجهی به خانواده و نقشی است که زن در خانواده و تامین آرامش این واحد بنیادین جامعه و تربیت فرزندان دارد؛ زیرا در این سند بر لزوم مشارکت زنان در همه مناصب و مشاغل اجتماعی و مراکز تصمیم‌گیری، هم دوش و هم پای مردان و فراهم آوردن همه نوع امکانات و تسهیلات برای نیل به این منظور به خاطر دست‌یابی به توسعه و صلح تاکید شده است، ولی به وظیفه و کار مهمی که زن به عنوان خانه‌دار یا شغلی که قسمتی از اوقاتش را صرف ادای وظیفه در درون خانه و خانواده و حضانت اطفال می‌کند و به طور غیر محسوس و غیر مستقیم تاثیر بسیاری در سلامت و رشد و توسعه دارد، بهای لازم داده نشده است. (همان، 315)

بنابراین، در کنار تاکید بر مشارکت زنان در عرصه جامعه، هیچ‌گاه نباید نقش مثبت و فوق‌العاده حیاتی آن‌ها در خانواده نادیده گرفته شود و با تشویق زنان به فعالیت‌های خارج از خانواده و سپردن کودکان به مراکز مختلف نگهداری، «محیط خانه را تبدیل به خوابگاهی کرد که دیگر خانواده کارکردهای خود را از دست بدهد.» (توحیدی نقل از مجله زنان شماره 49 ص 53)

منتقدین معتقدند در این باره باید به فعالیت زنان در درون خانواده ارج بیشتری نهاد و حتی به ارزش اقتصادی کار آن‌ها در منزل بها داد و آن را به حساب آورد (امری که کمتر در محاسبه اقتصادی به حساب می‌آید) تا زنان به عنوان مدیر و تدبیرگران منزل، جایگاه واقعی خود را بیابند.

دو تحول دیگر که موجب برانگیختن واکنشهایی در جهان مسیحیت و جهان اسلام شد عبارتند از:

- 1- تدوین متن آموزشی حقوق انسانی زنان و دختران تدوین توسط یونیسفم و یونیسف که در آن این عبارت درج شد که "کلیه ادیان دارای ویژگی‌های فرهنگی هستند که در نتیجه آنها به زنان ستم می‌شود!"
- 2- پیش‌نویس اجلاس جهانی زنان در تایلند (2004) مبنی بر اینکه ادیان عامل ستم علیه زنان اند.

واکنش سازمان کنفرانس اسلامی

الف- موضع سازمان کنفرانس اسلامی در قبال جنبش حقوق بشر

1- منشور سازمان کنفرانس اسلامی:

منشور سازمان کنفرانس اسلامی که در 14 مارس 1972 تصویب شد اهدافی را برای اعضای این سازمان تدوین و دولت‌های عضو را ملزم به رعایت آنها نموده است. از جمله این اهداف «تلاش برای از بین بردن تبعیض نژادی و

استعمار با اشکال گوناگون» است. در این هدف بر خلاف انتظار فقط به اشکال مختلف تبعیض نژادی اشاره شده است. منطوق این هدف بر تبعیض جنسیتی دلالت ندارد و عملاً در اهداف هفت گانه این سازمان هیچ اشاره‌ای به رفع نابرابریهای جنسیتی مشاهده نمی‌شود.

2- اعلامیه حقوق بشر اسلامی:

این اعلامیه را می‌توان مهم‌ترین مصوبه سازمان کنفرانس اسلامی دانست که در 15 اوت 1990 در قاهره مصر به تصویب رسید.

برخی مفاد این اعلامیه پیرامون حقوق زنان پاسخ عملی به مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر است. برخی بندها و موارد که واکنش گونه و تمایز بخش و بعضاً تبیین کننده‌اند عبارتند از:

- ماده ششم - بند الف- در حیثیت انسانی، زن با مرد برابر است و به همان اندازه که زن وظایفی دارد، از حقوق نیز برخوردار است و دارای شخصیت مدنی و ذمه مالی مستقل و حق حفظ نام و نسبت خویش را دارد.
 - ماده یک - الف- همه مردم در اصل شرافت انسانی و تکلیف و مسئولیت برابرند. بدون هرگونه تبعیضی از لحاظ نژاد یا رنگ یا زبان یا جنس یا اعتقاد دینی یا وابستگی سیاسی یا وضع اجتماعی و غیره.
 - ب- همه مخلوقات به منزله عائله خداوندی هستند و محبوب‌ترین آنها نزد خداوند سودمندترین آنها به همنوع خود است و هیچ احدی بر دیگری برتری ندارد مگر در تقوا و کار نیکو.
 - ماده 5- خانواده، پایه ساختار جامعه است و زناشویی اساس ایجاد آن می‌باشد. بنابراین مردان و زنان حق ازدواج دارند و هیچ قید و بندی که بر پایه نژاد یا رنگ یا قومیت باشد نمی‌تواند از این حق آنان جلوگیری کند.
 - ماده 13- هر کارگری بدون فرق میان زن و مرد، حق دارد که مزد عادلانه در مقابل کاری که ارائه می‌کند سریعاً دریافت نماید و
- بندهای یادشده نسبت به اعلامیه‌ها و قطعنامه‌های جدیدتر سازمان کنفرانس اسلامی وضوح بهتری دارند. هر چند که در ماده ششم برابری را به حیثیت انسانی مقید کرده است. همچنین در ماده پنجم نسبت به حق طلاق زنان سکوت اختیار کرده است.

ب- واکنش سکا در قبال اقدامات جهانی دهه 90

در نتیجه فشار علما و روشنفکران دینی و رسانه‌ها و درخواستهایی از سوی اعضا در آوریل سال 1995 سمپوزیوم نقش زنان در توسعه جامعه اسلامی در شهر تهران برگزار شد و حدود دو سال بعد در آوریل 1997 نتیجه این نشست در قالب قطعنامه C(IC/8) - پیرامون زنان و نقش آنان در توسعه جامعه اسلامی منتشر شد. متن این سند کلی گویی و حاوی تاکید بر ضرورت بکارگیری زنان در برنامه‌های توسعه است. از همه اینها مهمتر دوسند دیگر است که جنبه‌های واکنشی و تقابلی بخشی دوگانه بین مواضع سکا و سازمان ملل را آشکارتر کرد.

درمقابل این موج گسترده تلاشهای جهانی، سکا مصوبه ای در حد یک پاراگراف در سال 1991 منتشر کرد که به قطعنامه داکار مشهور است:

قطعنامه شماره 6/4 داکار

این قطعنامه در ششمین اجلاس سران در شهر داکار پایتخت سنگال در دسامبر 1991 تصویب شد. در این سند بر نقش ویژه زنان مسلمان در توسعه جوامع اسلامی تأکید شده و از کشورهای عضو خواسته شده است که تلاشهای همه جانبه‌ای را برای ارتقای نقش زنان مسلمان در عرصه‌های مختلف توسعه سازماندهی کنند. همچنین از دبیر کل خواسته شده است تا جلسات کارشناسی را برای تدوین ابزارهای مناسب برای مشارکت فعال زنان در فرآیند توسعه اجتماعی برنامه‌ریزی کرده و در اجلاس یازدهم وزرای خارجه کشورهای اسلامی این موضوع را در دستور کار قرار دهد.

سند 114: اعلامیه اسلامی نقش زن در توسعه جامعه مصوب سپتامبر 2000

نکته مهم در مورد این سند حصر برابری زنان و مردان در کرامت انسانی در بند چهارم است. هرچند این موضوع مهم و اساسی است اما همه جنبه‌های برابری را پوشش نمی‌دهد. متن این سند کوتاه را به لحاظ اهمیت مرور می‌کنیم:

پس از آگاهی از توصیه‌های اجلاس کارشناسان، در رابطه با نقش زن در توسعه جامعه اسلامی (19-17 ذی القعدة 1425 هـ، تهران، جمهوری اسلامی ایران)، به موجب مصوبه شماره 7/10 ث (ق.أ) صادره از کنفرانس هفتم سران کشورهای اسلامی، تعدیل شده توسط شعبه فتوا در دوره‌های نهم و دهم مجمع، ضمن تأکید بر ارزشهای اسلامی حمایت‌کننده از زنان، ارزشهایی که از سوی کنفرانس‌های جهانی زن، خصوصاً دو کنفرانس قاهره و پکن و ما بعد آن، مورد تعارض قرار گرفت و بدنبال بیانیه‌های اسلامی صادره در رابطه با برخورد با حمله‌های ناپسند صورت گرفته در کنفرانس اخیر، تصمیمات ذیل اتخاذ شده است:

نخست: اسلام بنای جامعه‌ای را که در آن مرد و زن نقش مکمل یکدیگر را در راه سازندگی و توسعه داشته باشند یکی از اهداف خود قرار داده و حقوق زن را به طور کامل و منسجم، با توجه به شخصیت، توانایی، خواسته‌ها و نقش بنیادین در زندگی به وی عطا فرموده است، از دیدگاه اسلام جامعه یک واحد متکامل است که در آن برخورد با مرد و زن به شکل همه جانبه در نظر گرفته شده است.

قرآن کریم و سنت پیامبر (ص) بر وحدت امت اسلامی با همه نیروهای حیات بخش آن تأکید نموده است به نحوی که برای هر کدام از زن و مرد شخصیت و موقعیت متناسب با جامعه اسلامی ملاحظه و منظور گردد.

دوم: خانواده‌ای که براساس ازدواج شرعی بنا شده، پایه‌های استوار جامعه سالم است، بنابراین اسلام هر تصویر مغایر با این صورت و تمام روابط جایگزین این چارچوب شرعی را مردود می‌شمارد.

زن بنا به اقتضای مادری و خصوصیات دیگرش، نقش اساسی در بقاء و رفاه این ساختار خانوادگی ایفا می‌کند.

سوم: مادر بودن یکی از وظایف طبیعی زن در زندگی است و هر گاه، زن تمام حقوق اسلامی خویش را به

دست آورد، این رسالت ارزشمند را به بهترین وجه اداء می کند و می تواند تکلیف خود را در جنبه های خصوصی زندگی به انجام رساند.

چهارم: مرد و زن هر دو در کرامت انسانی با هم برابرند. زن با توجه به حقوقش، عهده دار وظایفی نیز هست که با فطرت، ویژگیها و تواناییهای وی سازگار است و این در حالی است که هر کدام از زن و مرد از ویژگیهای طبیعی متفاوتی برخوردارند از این رو در پذیرش مسئولیتهای شریعت اسلامی محوله، مکمل یکدیگرند.

پنجم: دعوت به احترام به زنان در همه زمینه ها و رد اعمال خشونت آمیز همچون خشونت در خانواده، سوء استفاده جنسی از زن، اباحی گری، فحشاء، سوء استفاده تجاری از زنان، ایجاد آزار و اذیت جنسی که در بسیاری از جوامع کرامت زن و حقوق شرعی او را نادیده گرفته اند که تمامی این موارد ناخواسته وارد جوامع شده و هیچ گونه ارتباطی به اسلام ندارد.

ششم: وسایل ارتباط جمعی (تبلیغاتی و رسانه ها) مکلفند نقش مثبت زن را تقویت کرده و با هرگونه سوء استفاده تبلیغاتی از زن و یا پخش تبلیغات توهین کننده به ارزش ها و فضائل زن که موجب تحقیر و اهانت به شخصیت او گردد، مخالفت کنند.

هفتم: شایسته است در جهت کاهش آلام زنان و اقلشار ضعیف تلاش شود. در این راستا زنان مسلمانی که قربانی درگیری های مسلحانه و اشغال، فقر و فشارهای اقتصادی خارجی هستند، از اهمیت ویژه ای برخوردارند.

هشتم: توسعه فراگیر و مستمر، تنها بر پایه ارزشهای مذهبی و اخلاقی، امکان پذیر است و تحقق این امر در گرو مخالفت با تلاشهای انجام شده برای تحمیل ارزشهای فرهنگی و اجتماعی بیگانه و محکوم نمودن تهاجمات پی در پی برخی گروه های مخالف ارزش ها و احکام اسلامی مربوط به زنان می باشد. نهم: مخالفت شدید با روشهای برخی حکومتها که مانع پایبندی زن مسلمان به دین و ارزشهای آن و برگزاری شعائر و واجباتی چون حجاب و عفت و خویشترداری که خداوند بر او واجب داشته است. دهم: تلاش برای تخصیص مؤسسات آموزش زنان - جدا از مؤسسات آموزشی مردان - در تمام مقاطع، در جهت وفاداری به حقوق مشروع زنان و انجام آن براساس اقتضای شریعت اسلامی. یازدهم: شریعت اسلامی و منابع اساسی آن به عنوان تنها مرجع تفسیر یا تبیین هر یک از مواد این بیانیه می باشد.

سند 159- نقش زن و نقش اجتماعی وی از دیدگاه اسلام (مصوب ژوئن 2006، عمان)

در مقدمه این سند موضع واکنشی سکا در قبال برخی کشورها آمده است و در ماده 2 همگان را از شعار برابری زن و مرد برحذر داشته است. متن کوتاه این سند را مرور می کنیم:

شورای مجمع بین الملل فقه اسلامی تابع سازمان کنفرانس اسلامی در هفدهمین نشست خود در عمان پایتخت پادشاهی اردن هاشمی پس از اطلاع از مباحث وارده به مجمع، پیرامون زن و نقش اجتماعی او از دیدگاه اسلام و به دنبال اطلاع از مصوبه شماره 114 (12/8) پیرامون «اعلامیه اسلامی نقش زن در توسعه

جامعه مسلمان» (که بیانگر نقش همه جانبه زنان و مردان در شکل گیری جامعه متعادل اسلامی و جایگاه خانواده در این میان و نفی هر شکل ادعایی دیگری از خانواده است) تأکید داشته که «مادری» مهمترین وظیفه زن در زندگی است و مرد و زن در کرامت انسانی با یکدیگر برابر بوده و حقوق زنان و وظایف آنها متنا سب با فطرت، توان و ترکیب وجودی آنان است. این مجمع ضمن احترام به زنان در همه عرصه ها، هرگونه تحقیر و اهانت علیه آنان را نفی کرده و اقدام برخی کشورها در جلوگیری از پای بندی زنان مسلمان به دینشان را به شدت محکوم کرده است و لذا موارد زیر را مقرر می دارد:

1. کنفرانس های بین المللی که درباره حقوق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، مدنی و فرهنگی زنان (کنفرانس های توسعه و جمعیت) برگزار می شود، از خاستگاه جدایی جنبه های مختلف زندگی از دین است و اصول و احکام اسلامی را نوعی تبعیض علیه زنان تلقی می کند.
 2. باید از شعار برابری مرد و زن و استفاده از آن در توجیه اعمال و رفتارهای مخالف با اسلام، بر حذر بود.
 3. ضرورت حمایت از زن مسلمان در برابر اقدامات، عادات و سنت هایی که متضمن ستم کاری بر او و تجاوز به حقوق وی در پای بندی به دین، شرف، ناموس و دیگر حقوقی است که طبق اصول بین المللی حقوق بشر و از آن مهمتر اصول شریعت اسلامی از آنها برخوردار است.
 4. کنفرانس های توسعه و جمعیت و توافقنامه های صادره از سوی آن، تنها به جنبه های مادی توجه داشته و هدف های معنوی و نقش فطری و اساسی زنان یعنی مسئولیت خانواده و مسئولیت تربیت درست فرزندان را نادیده گرفته اند و او را به تلاشی و فروپاشی خانواده فراخوانده اند که البته جنبه های سازنده ی توافقنامه ها شامل این ویژگی ها نیست.
 5. این کنفرانس ها، نقش خانواده در بنای اجتماعی را نادیده گرفته و آن را در حاشیه قرار داده اند و روابط انحراف آمیز اخلاقی را جایز میدانند.
 6. با توجه به حوادث متعدد بین المللی در این عرصه، مجمع بر آن است که همه این جریانات را باید مورد توجه قرار داد و فعالیت های کنفرانس ها و گردهمایی های مربوط به زنان را پیگیری کرد و تلاش کشورها و سازمانهای اسلامی را جهت صدور مصوباتی متناسب با احکام و شریعت اسلامی، وحدت بخشید.
- در همین راستا «مجمع فقه اسلامی» موارد زیر را توصیه می کند:

1. مشارکت فعال در کنفرانس های بین المللی با موضوع زنان و طرح جایگزین های اسلامی در مسایل اجتماعی
2. ضرورت معرفی موضع اسلام در مسایل مربوط به زنان، بویژه مباحث مربوط به حقوق و وظایف آنها و انتشار این مطالب به زبانهای زنده در سرتاسر جهان
3. برگزاری میزگردها یا کارگاههایی از سوی دبیرخانه مجمع برای مطالعه در خصوص موضوعات ذیل:
- توافقنامه ها و اسناد بین المللی ویژه توسعه، جمعیت و مسایل زنان با هدف نیل به موضع یگانه اسلامی در خصوص موضوعات مطرح شده در آنها؛
- موضوع مشارکت سیاسی و حدود و ضوابط آن در پرتو اصول و احکام شرع.

در پایان یادآور می شود که تاکنون سه اجلاس وزرای زن سکا برگزار شده است که توصیه هایی جهت بهبود وضعیت زنان در این نشستها ارائه شده است. از آنجا که توصیه ارزش حقوقی و قدرت الزام آور چندانی ندارد از ذکر آنها خودداری می کنیم.

آخرین مرحله از تلاشهای جهانی تاسیس سازمان زنان ملل متحد (در سال 2010) است. در واکنش به این اقدام، متقابلاً پیشنهاد تاسیس سازمان زنان کنفرانس اسلامی در دست بررسی است.

در مجموع کنشها و واکنشهای موجود بین مواضع سکا و سازمانهای بین المللی را به اختصار در قالب جدول زیر مشاهده می کنیم.

تقابل کنش ها و واکنش ها (دایکتومی)

| واکنش سازمان کنفرانس اسلامی (oic) | کنش های بین المللی |
|--|--|
| - منشور سازمان کنفرانس اسلامی - مارس 1972 - اعلامیه حقوق بشر اسلامی - 1990 | - اعلامیه جهانی حقوق بشر 1948 |
| - قطعنامه شماره 6/4 داکار: ششمین اجلاس سران کنفرانس اسلامی - دسامبر 1991 (پیرامون نقش زن در جامعه اسلامی) | - رواج موج دوم فمینیستی در دهه 1960 و 1970 - کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، 1979 - کنفرانس جهانی زنان کپنهاک (1980) |
| - برگزاری سمپوزیوم نقش زنان در توسعه جامعه اسلامی، آوریل 1995 - تهران - قطعنامه C(IC/8)، پیرامون زنان و نقش آنان در توسعه جامعه اسلامی، دسامبر 1997 - تهران - سند 114: اعلامیه اسلامی نقش زن در توسعه جامعه، سپتامبر 2000 - ریاض - سند 159: زن و نقش اجتماعی او از دیدگاه اسلام، ژوئن 2006 - اردن | - چهارمین کنفرانس جهانی زن در پکن - 1995 - تدوین متن آموزشی حقوق انسانی زنان و دختران توسط یونیسف و یونیسف و ذکر این عبارت "کلیه ادیان دارای ویژگی های فرهنگی هستند که در نتیجه آنها به زنان ستم می شود" - پیش نویس اجلاس جهانی زنان در تایلند (2004) مبنی بر اینکه ادیان عامل ستم علیه زنان اند |
| پیشنهاد تاسیس سازمان زنان کنفرانس اسلامی | - تاسیس سازمان زنان ملل متحد (Unwomem) در سال 2010 |

نتیجه گیری:

هر چند تأسیس سازمان کنفرانس اسلامی در سال 1969 توقعات بسیاری را در جوامع اسلامی دامن زد، اما دقت نظر در تاریخچه و مواضع این سازمان نشانگر حاکمیت فضای محافظه کاری و انفعال (Passive) در این نهاد بزرگ اسلامی است. نهادی که با عضویت 57 کشور مسلمان حدود 1/5 میلیارد جمعیت جهان را داراست.

تأسیس این سازمان جوهره‌ای واکنشی داشته است، واکنش نسبت به شکست چهار ارتش بزرگ عربی در جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل در 1967 همچنین سرخوردگی ناشی از آتش زدن مسجدالاقصی توسط رژیم صهیونیستی.

رویکرد انفعالی در مقابل قضیه فلسطین و سایر تحولات سیاسی جهان اسلام و خاورمیانه به رویکردهای فرهنگی و اجتماعی و حقوقی این سازمان نیز سرایت و تعمیم یافته است.

در مورد مسأله حقوق زنان بویژه مقوله «برابری» شاهد افت تدریجی مواضع این نهاد نیز هستیم. برای مثال مشاهده شد که در منشور اسلامی حقوق بشر با صراحت بیشتری از حقوق زنان مسلمان سخن به میان آمده است اما در قطعنامه‌های اوایل قرن 21، مواضع سازمان با ابهام و اجمال روبروست. برابری زن و مرد صرفاً در برابری کرامت انسانی منحصر می‌شود و ابعاد مختلف برابری موشکافی نمی‌شود و در یک مورد بر پرهیز از تکرار این شعار تأکید می‌شود.

سازمان کنفرانس اسلامی حداقل می‌توانست با حوصله و تأمل بیشتر و به مدد کمیته‌های کارشناسی مفهوم برابری را با رویکرد اسلامی تبیین و تشریح نماید و ابعاد مختلف برابری شامل برابری در حقوق بنیادین (Right) برابری در حقوق (Law) برابری در نقش و وظایف و برابری در فرصت، ابتدا در سطح نظری طرح و سپس پاسخ اسلامی داده شود.

اجمال و ابهام نهفته در اعلامیه‌ها و قطعنامه‌های مربوط به زنان در سازمان کنفرانس اسلامی نوعی گریز از حل مسأله و پرهیز از ورود به مجادلات بنیادین برای پاسخگویی به مسأله است که ریشه در روحیه محافظه کارانه حاکم بر سازمان دارد.

مرور مواضع و عملکرد سازمان نوعی «دایکوتومی»¹ و تقابل بخشی دوگانه را بازنمایی کرد. در یک سوی این «دایکوتومی» کنش‌های جامعه بین‌المللی بویژه سازمان ملل متحد و نهادهای وابسته به آن قرار دارد که آبشخور فکری آنها تفکر غربی است و زمینه فرهنگی و اجتماعی مصوبات آنها نیز متناسب با جامعه صنعتی غرب است. در سوی دیگر این دوگانه، واکنش سازمان کنفرانس اسلامی است. واکنشی ضعیف، همراه با تأخر و وسواس و فاقد تئوری پایه. سراسر نوشتار حاضر ابعاد دوگانه این دایکوتومی را نشان می‌دهد.

مشکل و آسیب دیگر ضعف ضمانت اجرا در مصوبات سازمان کنفرانس اسلامی است. این مصوبات قوت و گستردگی مصوبات سازمان ملل متحد را ندارد. بخش عمده‌ای از این مصوبات در چارچوب اعلامیه و بیانیه است که از نظر حقوق بین‌المللی الزام آور نیست. قطعنامه‌ها و معاهدات این سازمان نیز بدلیل ضعف

کمیته‌های پیگیری، فقدان نظام آماری و گزارشگری از دولت‌های عضو و فقدان نظام پایش (monitoring system) بوده و کارایی و اثربخشی محدودی داشته‌اند.

علیرغم برگزاری سه اجلاس وزرای زن، این سازمان در مقابل وضعیت اسف‌بار فقر زنان در آفریقا بویژه قحطی اخیر سومالی، وضعیت دردناک کشتار زنان بحرینی و لیبیایی در خیابان‌ها و زندانها و بیمارستانها توسط حکومت آل خلیفه و رژیم قذافی، وضع نامناسب حقوق شهروندی زنان در عربستان سعودی و وضعیت وخیم بهداشتی و آموزشی زنان در افغانستان و پاکستان اقدام عملی انجام نداده است.

از همه اینها مهم‌تر «فقر نظری» بیانیه‌های مربوط به حقوق زنان در اسناد این سازمان است. علل احتمالی آن می‌تواند ضعف کمیته‌های کارشناسی، برخورد غیرفعال کشورهای توسعه یافته‌تر چون ترکیه، ایران و مالزی با هیأت‌های کارشناسی سازمان و حاکمیت فقه اهل سنت بویژه نفوذ وهابیت در مجمع فقه اسلامی این سازمان وضعف مشارکت نهادهای مردم نهاد NGOs باشد. برخورد فعال جمهوری اسلامی ایران به ویژه در سطح هیات‌های کارشناسی می‌تواند برخی خلاءهای موجود را جبران نماید. زیرا فقه شیعه با پذیرش عقل به عنوان یکی از منابع چهارگانه اجتهاد می‌تواند از پویایی و انعطاف بیشتری نسبت به تحولات جدید و معاصر برخوردار باشد.

منابع

- برشتین، سرژ و میلزا، پی‌یر، تاریخ قرن بیستم - جلد دوم - ترجمه دکتر امان‌الله ترجمان، انتشارات آستان قدس، چاپ اول، 1371
- لاپیدوس، ایرا. ام، تاریخ جوامع اسلامی قرون نوزدهم و بیستم، جلد دوم، ترجمه دکتر محسن مدیر شانه‌چی، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، 1376
- روسو، ژان ژاک، گفتاری در باب نابرابری، ترجمه حسین راغفر و حمید جاودانی، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، 1386
- رویمر، جان. ای، (1998) برابری فرصت، مترجم محمد خضری، پژوهشکده مطالعات راهبردی، در چاپ اول، 1382
- جانسون، گلن، اعلامیه جهانی حقوق بشر و تاریخچه آن، ترجمه محمد جعفر پوینده، نشر نی، چاپ چهارم، 1378
- وزارت امور خارجه (1375) کتاب سبز سازمان کنفرانس اسلامی، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ دوم
- بستان حسین (1387) نابرابری جنسی از دیدگاه اسلام و فمینیسم، چاپ سوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- مهرپور، حسین، حقوق بشر در اسناد بین‌المللی، دانشگاه شهیدبهبشتی
- توحیدی، احمد رضا (1382)، عملکرد سازمان ملل، شمیم یاس، مرداد 89، شماره 5

